



سوم جنوری، ۲۰۲۴

داکتر ضیاء نظام

## افغانستان یکی از آسیب پذیرترین کشورها در برابر تغییرات اقلیمی است



رویدادهای هولناک خشک سالی، توفان و سیل در بسیاری از مناطق جهان از اثر تغییرات اقلیمی تشدید شده است. با گرم شدن کره زمین، بشریت در برابر چالش حیاتی قرار گرفته است. افزایش گرمی زمین اثرات ویرانگر در چهار گوشه جهان داشته است، اما اثرات آن در بعضی از مناطق جهان خیلی بالاست. کشورهای شرق میانه و افریقا از این جمله‌اند.

بر اساس بررسی های سازمان ملل، افغانستان یکی از آسیب پذیرترین کشورها در برابر تاثیرات ناشی از تغییر اقلیم است. از آن جایی که اقلیم افغانستان خشک و نیمه خشک قاره یی است، لذا آسیب پذیری آن در برابر تغییرات جاری خیلی بالا می باشد. کشورهای مثل افغانستان که منابع آبی محدود دارند، قادر به مدیریت این منابع نیستند، و کمبود آب و عدم دسترسی به آب صحی مردم فقیر را مجبور به خرید آب و گرفتار اقسام مختلف مریضی می کند و حتا بخشی از اقشار کم درآمد مجبور به ترک کشور می شوند. بنابراین، مساله تغییر اقلیم تنها مساله کشورهای بزرگ و سازمان های بین المللی

نیست، بلکه برای ساکنان کشورهای چینی افغانستان این تغییرات عواقب جدی تر در پی دارد و بی‌توجهی به آن منجر به اتفاقات فاجعه بار خواهد شد.

بانک جهانی اخیراً در گزارشش از کاهش متوسط شش درصدی رشد اقتصادی کشورها در اثر کمبود آب ناشی از تغییرات اقلیمی یاد کرده و پیش بین شده است که در صورت ادامه حالت کنونی و تداوم سیاست‌های آبی جاری، تا سال ۲۰۵۰ کمبود آب می‌تواند در خاور میانه تولید ناخالص کشورها را ۱۱ درصد و در آسیای میانه ۱۴ درصد کاهش دهد. افزایش حرارت مساله نهایت جدی و کاملاً واقعی است. آثار آن را می‌توان در آمار ثبت شده مشاهده کرد. علت اساسی این افزایش را تولید گازهای گلخانه‌یی می‌دانند که بیش تر از اثر مصرف زغال سنگ، نفت و گاز ایجاد می‌شود. گرچه کشورهای فقیر مثل افغانستان کم ترین سهم را در تولید این گازها دارند، اما بیش ترین آسیب را از عواقب آن متحمل می‌شوند. در میان حدود ۲۰۰ کشور جهان، افغانستان یکی از ده کشوری شمرده می‌شود که در معرض بیش ترین آسیب ناشی از تغییرات اقلیمی قرار دارند. چرا که این کشور، اقتصاد عمدتاً وابسته به زراعت دارد، صنایع و خدمات در آن رشد نکرده و فاقد ظرفیت اداری، مالی و فنی برای مقابله با آثار و عواقب تغییرات اقلیمی می‌باشد.

طبق گزارش برنامه محیط زیست ملل متحد، درجه حرارت در افغانستان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰ میلادی ۱/۸ درجه سانتی‌گرید افزایش یافته که خیلی زیاد است. این افزایش در مدت ۶۰ سال، بی‌سابقه بوده و تاثیرات ناگواری بر زندگی مردم، محیط زیست و حیات وحش داشته است. چنان که گفته شد، سهم افغانستان در تولید گازهای گلخانه‌ای خیلی ناچیز است، اما آسیب‌های بسیار از عواقب آن متحمل می‌شود. سازمان ملل متحد، افغانستان را ششمین کشور آسیب‌پذیر از تغییرات اقلیمی شمرده است. پیش‌بینی شده که اگر وضعیت همین‌گونه ادامه یابد و تدابیری سنجیده نشود، درجه حرارت تا سال ۲۰۵۰ یعنی در کم تر از ۳۰ سال، به ۱/۵ درجه سانتی‌گرید بالا خواهد رفت. اثرات این تغییر اقلیمی در بعضی از مناطق کشور فاجعه بار خواهد بود.

خشک سالی‌های دوام دار ناشی از تغییرات اقلیمی، استفاده بی حد از آب و ناتوانی در مدیریت منابع آن، سبب کاهش منابع آبی در افغانستان شده است. براساس گزارش سازمان ملل، بیش تر از ۶۰ درصد مردم افغانستان دچار کمبود آب آشامیدنی‌اند. شهرهای بزرگ افغانستان، به‌ویژه کابل، بیش ترین مشکل را از این ناحیه دارند. سطح آب‌های زیرزمینی همه ساله پایین تر می‌رود و برخی خانواده‌ها پس از خشک شدن چاه‌های آبشان مجبور می‌شوند از درآمد ناچیز خود آب نیز خرید کنند. در بخش‌هایی از شهر کابل، عمق چاه‌ها به بیش از ۱۵۰ متر می‌رسد.

حفر چاه های عمیق و کاریزها، آب زیرزمینی را کاهش می دهد و به مرور زمان در اثر تخلیه آب زیرزمینی خطر فرونشستگی زمین به تهدید جدی بدل می شود و ممکن است خسارات و ویرانی هایی را به بار آورد. به خصوص در مناطق زلزله خیز، خطر فرونشستگی زمین تهدید بسیار جدی حساب می شود. کم آبی برای زندگی روستایی تهدید بزرگ تر است و دوام حیات را در مناطقی که مردم به زراعت وابسته اند با سختی های جدی روبه رو کرده و گاه این سختی ها مردم را وادار به ترک زمین و خانه شان می کند. در افغانستان بیش از هفتاد فیصد مردم به زراعت مشغولند و هرگونه اختلال در چرخه آبی، سبب فقر و بیچارگی کتله های بزرگ ساکنان کشور می شود. در دهه های اخیر نیز مال داری و باغ داری در اثر خشک سالی در افغانستان کاهش قابل ملاحظه دیده و هزاران هکتار زمین زراعتی که قبلاً کشت می شد، دیگر قابل استفاده نیست. میلیون ها هموطن ما از این سبب بی جا و آواره شده اند. رقم بزرگ مهاجران را در کشورهای همسایه نفوس روستایی افغانستان تشکیل می دهند و بیش تر ساکنان کم درآمد و حاشیه نشین شهرهای افغانستان نیز دهقانان و روستایی هایی اند که زمین های زراعتی خود را به امید یافتن کار در شهرها، ترک گفته اند.

از آنجایی که در بسیاری مناطق کشور میان تغذیه و مصرف آب های زیرزمینی تعادل وجود ندارد، و مصرف بسیار بیش تر است، در نتیجه وضعیت با گذشت زمان وخیم تر می شود.

اداره هماهنگی کمک های سازمان ملل متحد در گزارش خود گفته است که میان سال های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲، نصف جنگلات افغانستان از بین رفته است. نابودی جنگلات باعث کم شدن بارنده گی می گردد و پیامدهای جبران ناپذیری برای تمام موجودات زنده در آن مناطق دارد. علت از بین رفتن جنگلات قسماً تغییرات اقلیمی بوده است، اما بیش ترین آسیب را این جنگلات از قطع بی رویه و قاچاق چوب از سوی زورمندان و قاچاقبران دیده است. سال های متمادی چوب های چهارتراش از جنگلات افغانستان به خارج از کشور به خصوص پاکستان صادر شده است. از آنجایی که این درختان خودسرانه و بدون برنامه قطع می شوند، جای آن ها خالی می ماند و نهال شانی نمی شود.

مرکز بین المللی توسعه یک پارچگی کوهستان (ICIMOD) که مقر آن در نیپال است، در گزارشی می نگارد که یخچال های هندوکش و هیمالیا بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ با سرعت بیش تر از گذشته ذوب شده و هر سال از ارتفاع آن کاسته می شود. این یخچال ها را مخزن آب شیرین منطقه می گویند، اما متأسفانه هر سال روند ذوب شدن آن شدت بیش تر می گردد. دریا های بزرگ افغانستان از این یخچال ها سرچشمه می گیرند. این مشکل روند جاری جریان آب را در این دریاها کاهش می دهد و تاثیر منفی جدی بر زندگی مردم، پوشش گیاهی و دیگر ساحات زندگی انسانی و محیط می گذارد.

خلاصه، پیامدهای تغییرات اقلیمی در افغانستان، کشور فقیر و فاقد اداره کارآمد، فاجعه بار خواهد بود. اگر اقداماتی برای رفع موانع مدیریت محیط زیست انجام نشود، مصارف جبران ناپذیر بر نسل‌های آینده تحمیل خواهد شد. قبل از هر چیز افغانستان باید صاحب اداره مسوول شود؛ اداره ای که بتواند از مردم نمایندگی کرده و اعتماد و همکاری آنان را جلب کند. به دانش و توانایی‌های فنی انسانی ارزش قایل باشد، به افراد و نهادها فرصت کار و تحقیق بدهد، و در عین حال با جامعه بین‌المللی ارتباط سالم و سازنده ایجاد کند. چرا که مبارزه با تغییرات اقلیمی نیازمند آگاهی، توانایی‌های فنی و اقدام جمعی در داخل و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی است.

حفظ جنگلات و پوشش گیاهی، جلوگیری از گسترش بیابان‌ها، عصری سازی زراعت و مدیریت موثر ذخیره، توزیع، استفاده و بازیابی آب باید در صدر برنامه های ملی قرار گیرد. در نصاب های آموزشی و تولید های هنری و فرهنگی باید برای تغییر رفتار مردم و بلند بردن احساس مسوولیت آنان تلاش صورت گیرد.

پایان